

بررسی مقایسه‌ای مشارکت ورزشی بانوان در استان گلستان^۱

نوروز نیمروزی ناوخی^{۲*}، بهمن صحنه^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۴ صص: ۳۲۳-۳۳۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۱۹

چکیده

توجه به سلامتی زنان به عنوان نیمی از جمعیت که سهم مهمی از نیروی کار را تشکیل می‌دهند و رسالت مهم فرزندآوری را نیز بر عهده دارند، از اهمیت زیادی برخوردار است. بر این اساس مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی یکی از راه‌های مهم تأمین سلامت روانی و جسمانی آنهاست. هدف این تحقیق، بررسی مقایسه‌ای مشارکت ورزشی بانوان در سطح استان گلستان و تحلیل نقش تفاوت‌های فرهنگی در مشارکت ورزشی بانوان بوده است. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات توصیفی - همبستگی مبتنی بر روش پیمایشی بوده و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری تمامی زنان ۱۵ تا ۵۰ ساله مناطق روستایی و شهری استان بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد ۵۷۳۰۵۷ نفر زن بود از آن ۶۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. همچنین برای تحلیل یافته‌ها از آزمون T مستقل و لاندا استفاده گردید. یافته‌های تحقیق نشان داد بطور کلی میزان مشارکت ورزشی بانوان در حد پایین است. کیفیت مشارکت ورزشی بیشتر بصورت فعالیت‌های ورزشی غیر رسمی و نامنظم است. پاسخگویان، بیشترین تشویق به فعالیت‌های ورزشی را از سوی اعضای خانواده، دوستان، همسایه‌ها و فامیل دریافت می‌کردند. همچنین بر اساس اظهارات پاسخگویان تاثیر کمبود امکانات زیرساختی بر فعالیت‌های ورزشی و تفاوت نحوه توزیع فضاها و امکانات ورزشی در سطح استان در سطح ۹۵ درصد معنادار بوده و شدت این تاثیر در اغلب شهرستان‌ها در حد متوسط و در شهرستان گنبد و بویژه گمیشان در حد متوسط به بالاست. در نهایت، تاثیر عوامل فرهنگی بر کاهش مشارکت ورزشی بانوان در جامعه آماری زنان ترکمن ۳۰ سال و بالاتر متاهل در سطح ۹۵ درصد اطمینان مورد تایید قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: مشارکت ورزشی، بانوان، ترکمن، استان گلستان.

^۱ مقاله برگرفته از نتایج طرح پژوهشی است که با حمایت مالی اداره کل ورزش و جوانان استان گلستان انجام شده است.

^۲ گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

^۳ گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

* نویسنده مسئول مقاله: n.nimrouzi@gu.ac.ir

مقدمه

توسعه و پیشرفت تکنولوژی در زندگی امروزی، موجب تغییر در شیوه زندگی شده که از جمله نتایج آن فقر حرکتی و افزایش خطر ابتلا به بیماری‌هاست. لذا ورزش و بویژه ورزش همگانی - تفریحی به عنوان وسیله‌ای ارزان قیمت و فرحبخش می‌تواند به حل این مشکل کمک کند. از آنجایی که مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی یکی از راه‌های مهم تامین سلامت روانی و جسمانی آنهاست بررسی دلایل حضور این افراد در ورزش و افزایش انگیزه به عنوان کلید آغاز فعالیت و تعهد نسبت به فعالیت ورزشی به عنوان ابزار تداوم فعالیت برای شرکت گسترده‌تر این قشر اهمیت زیادی دارد. مطالعات تجربی نشان داده که تفاوت‌های جنسی در میزان و نوع موانع فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت وجود دارد. بعنوان یک قاعده جهانی، مشارکت زنان در ورزش و فعالیت‌های ورزشی محدود است (Khosravi, 2003 and Palm, 2000). مثلاً نرخ مشارکت ورزشی زنان در انگلستان ۵۶ درصد و در استرالیا ۵۹/۹ درصد است (Kargar et al, 2013). بررسی نتایج یکسری تحقیقات انجام شده در ایران نشان می‌دهد که کمبود وقت، علاقه کم، نبود انگیزه لازم، کمبود دسترسی به سالن‌های ورزشی، محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی نظیر مرد محوری خانواده، مخالفت والدین و... از موانع عمده سر راه مشارکت دانش‌آموزان و دانشجویان دختر در فعالیت‌های ورزشی است (Mirghafoori et al, 2009). به منظور مطالعه موانع مشارکت ورزشی کراوفورد، جکسون و گادبی (۱۹۹۱)^۱ مدل هرمی موانع اوقات فراغت را پیشنهاد کردند. مدل پیشنهاد شده سه دسته موانع درون فردی، موانع بین فردی و موانع ساختاری را در بردارد موانع فردی به خصوصیات بازدارنده روانی که از تجارب منفی فردی سرچشمه می‌گیرد. موانع بین فردی به عدم تعامل مثبت بین افراد و ناتوانی برای یافتن دوست و تعلق گروهی مربوط می‌شود و موانع ساختاری به معنای فراهم نبودن امکانات مادی برای انجام ورزش است (Nadrian, 2009). در مدل فوق که به عوامل ساختاری اشاره شده، بنظر می‌رسد جامع و کامل نیست بویژه این مدل برای جوامعی چون جامعه ما که از حیث ساختار فرهنگی متفاوت از کشورهای توسعه یافته است و برای مسائل قومی و فرهنگی موثر بر فعالیت‌های اوقات فراغت چون فعالیت‌های ورزشی کارآیی لازم را ندارد و به نوعی نیاز به بومی‌سازی این چنین مدل‌ها احساس می‌شود؛ لذا مساله اصلی این تحقیق اشاره به موانع و تفاوت‌های فرهنگی موثر بر مشارکت ورزشی بانوان دارد.

نتایج تحقیقات غلامپور، طالب‌پور، احمدی، وثوقی و آقابین، نادریان، پارسامهر، حسنی و بحرالعلوم، سلطانی و زارعی، کریمی و کریمیان، دیسی، استونز، برشید و کمپل، لی‌یو و همکاران

¹ Crawford. Jackson & Godbey

بیانگر وجود رابطه بین متغیرهای وجود سرمایه اجتماعی، رفتار مطلوب اجتماعی و حمایت اجتماعی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، الگوپذیری از والدین، تحصیلات زنان و استفاده از رسانه‌ها، اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی کارکنان، مشارکت اجتماعی زنان روستایی با نگرش نسبت عوامل درونی و زمینه‌ای، مشکلات فردی، دسترسی به امکانات، بی‌انگیزگی، نداشتن علاقه، ناآگاهی، جامعه‌پذیری، موانع زمانی و امکاناتی، ساختاری، فرهنگی، سطح فعالیت بدنی با سلامتی و تناسب اندام، مزایای اجتماعی و هیجانی، کنترل وزن، کنترل استرس و لذت بردن، تاثیر انگیزه احساس شایستگی، استقلال و تقویت روابط با دیگران، کسب لذت، جلب توجه، تناسب اندام، رقابت طلبی، نگرانی از دست دادن دوستان، هم‌تیمی‌ها و مربیان با میزان و نوع فعالیت‌های ورزشی رابطه وجود دارد.

جامعه مورد تحقیق ما در اینجا خصوصیات معینی دارد که در فرایند طرح مسئله، طراحی سوالات و تحلیل نتایج باید مدنظر قرار گیرد و آن متنوع بودن ترکیب جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی جامعه آماری تحقیق است چرا که در اینجا متغیر شهری / روستایی بودن، تشیع / تسنن بودن، مهاجر / بومی بودن، ترکمن / غیرترکمن بودن و... وضعیت‌های متفاوت و متنوعی است که در مقایسه و تحلیل یافته‌ها تاثیرگذارند و رویکرد اصلی تحقیق نیز رصد کردن این تفاوت‌ها از طریق مقایسه نتایج تحقیق است. این تحقیق به دنبال این موضوع است که تا چه حد می‌توان تفاوت در میزان مشارکت ورزشی بین بانوان ساکن مناطق شهری / روستایی و مناطق ترکمن نشین / غیرترکمن نشین را بر اساس تفاوت‌های فرهنگی (مذهب، زبان و قومیت) تبیین کرد؟

چارچوب نظری

به نظر لرنر ورود عناصر و مکانیسم‌هایی که حامل نوسازی هستند در آمادگی روانی و تحرک ذهنی انسان‌ها برای پذیرش عناصر تجدد تاثیرگذار هستند و مهمترین عناصر و متغیرهایی که در ظهور تحرک ذهنی و آمادگی روانی انسان‌ها برای نوشتن موثرند عبارتند از: بسط و گسترش رسانه‌های گروهی، سواد آموزی و ارتقای سطح تحصیلات، شهرنشینی و مشارکت به زعم لرنر در جامعه سنتی، سواد، میزان شهرنشینی، دسترسی به رسانه‌های جمعی و همگانی و نهایتاً ارتباطات اجتماعی ضعیف‌تر و کم‌رنگ‌تر هستند در نتیجه مشارکت سیاسی و اجتماعی وجود ندارد. او این متغیر را در جامعه متجدد و جدید پیدا می‌کند و از جامعه جدید به عنوان جامعه مشارکتی نام می‌برد. لرنر سبک زندگی جامعه مدرن و سنتی را به واسطه این متغیرهای مشارکتی از هم تمیز می‌دهد و می‌گوید سبک مشارکتی در جامعه مدرن در مقایسه با زندگی منزوی جامعه سنتی، به فراوانی مشارکت افراد بستگی دارد (Mousavi, 2012). در تبیین نظری مسئله تحقیق هر کدام از

این رویکردها می‌تواند تبیین‌گر برخی از متغیرهای موثر بر مشارکت باشند در رویکرد کارکردگرائی، دورکیم کارکرد نهایی مشارکت در جهت حفظ انسجام جامعه و افزایش همبستگی بین گروه‌ها و جماعت‌های متفاوت عمل می‌کند که در این تحقیق زمینه‌سازی مشارکت ورزشی بین قومیت‌های مختلف در سطح استان می‌تواند به انسجام اجتماعی و همگرایی فزاینده کمک نماید. بر اساس رویکرد ساخت‌گرائی، تدوین ساختارهای تسهیل‌کننده مشارکت ورزشی در سطح استان نظیر تدوین قوانین و مقررات انعطاف‌پذیر، فراهم‌سازی زیرساخت‌های ورزشی مورد نیاز با رویکرد تمرکززدایی در شهرستان‌های مختلف استان و... می‌تواند موجب افزایش میزان و سطح مشارکت ورزشی گروه‌های مختلف در سطح استان شود بعنوان مثال ایجاد و برگزاری لیگ‌های منظم ورزشی در رشته‌های بسکتبال در شهر گرگان، والیبال در شهر گنبد و فوتبال ساحلی در بندرگز نمونه‌های موفق آثار چنین رویکردی است در حالیکه فقدان چنین بسترهایی در رشته‌های فوتبال، ورزش‌های رزمی و... به طرز قابل توجهی آثار منفی را بدنبال داشته است. بر طبق رویکرد تضاد نیازها و انگیزه‌های نسبتاً قوی تمایل به فعالیت ورزشی بویژه در بین نوجوانان و جوانان در صورت فراهم‌سازی زیرساخت‌های لازم می‌تواند بعنوان نیروی محرکه در بدنه جامعه استان عمل نماید. براساس رویکرد فیش باین و آیزن تغییر در هنجارهای ذهنی سنتی مناطق روستایی علی‌الخصوص ترکمن‌نشین می‌تواند به افزایش رفتارهای مشارکتی بانوان در محیط‌های ورزشی منجر گردد. در نهایت بر اساس رویکرد لرنر متغیرهای افزایش سطح سواد و استفاده از رسانه‌ها با متغیر مشارکت اجتماعی همبستگی لازم را در جهت حرکت جامعه بسوی نوسازی دارند؛ ضمن اینکه مطالعه لرنر در شش کشور در منطقه خاورمیانه بود از لحاظ بافت فرهنگی اجتماعی سنخیت لازم را با جامعه ایران دارد. بر این اساس با توجه به توصیفی - تحلیلی بودن تحقیق حاضر، هریک از رویکردهای نظری مطرح شده در فوق بعلاوه بررسی نتایج تحقیقات انجام شده در موضوع تحقیق هر کدام به نحوی تامین‌کننده توجیهات نظری سوالات و فرضیات تحقیق حاضر هستند.

موانع مشارکت را در سطوح کلان تاریخی، اقتصادی و سیاسی جامعه و همچنین در سطح میانه ارزش‌های حاکم بر خانواده، محل زندگی و توقعات و انتظارات اجتماعی که در قالب هنجارهای ذهنی بر رفتار افراد تاثیر گذارند در نظر گرفت و نهایتاً در سطح خرد تجربیات دوران کودکی و بلوغ فرد و ویژگی‌های شخصیتی آنان می‌تواند بعضاً به مثابه مانع مشارکت عمل نماید. از آنجایی که موضوع تحقیق تمرکز بر نقش تنوع و تفاوت‌های فرهنگی در تبیین تفاوت میزان مشارکت بانوان مناطق ترکمن‌نشین و غیرترکمن‌نشین دارد در اینجا نیز جهت پرهیز از طولانی شدن مطالب صرفاً موانع فرهنگی افزایش مشارکت را بررسی می‌کنیم. در هر جامعه انسانی بین واقعیت‌های اجتماعی و نظام فرهنگی و معرفتی ربط وثیقی وجود دارد در فرهنگ جامعه ما زمینه‌های تقویت مشارکت

نظیر روحیه جمع‌گرایی، عقلانیت، عام‌گرایی، فضای دموکراتیک عموماً غایب بوده است و مناسبات اجتماعی براساس رابطه نابرابر از بالا به پایین و مبتنی بر سنت‌های غیرعقلانی شکل گرفته است. بدلیل ضعف عقلانی در جامعه ما سنت نقد و انتقاد مجال شکل‌گیری نیافته است. باورها و خرافات سنتی بجا مانده از گذشته که با مقتضیات زندگی امروزی سازگاری ندارد مانع عمده‌ای بر سر راه مشارکت افراد قرار می‌دهد بعنوان مثال حضور زنان در محیط‌های عمومی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در گذشته تقبیح می‌شده است در برخی از محیط‌های کوچک شهری و روستایی هنوز چنین باورهایی وجود دارد و زمینه ترغیب و تشویق دختران و زنان را به انجام فعالیت‌های اجتماعی نظیر مشارکت در فعالیت‌های ورزشی را کاهش می‌دهد.

روش و ابزار تحقیق

تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی - همبستگی و به لحاظ هدف، تحقیقی کاربردی محسوب می‌گردد. تکنیک جمع‌آوری داده‌ها در مرحله مطالعات اکتشافی مصاحبه و در مرحله جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری طرح، کلیه زنان ۱۵ تا ۵۰ ساله مناطق روستایی و شهری شهرستان‌های بندرگز، گرگان، مینودشت، گنبد کاووس، آق‌قلا و گمیشان استان گلستان که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد ۵۷۳۰۵۷ نفر زن است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر بدست آمده، ولی به پیشنهاد کارفرما مبنی بر افزایش اطمینان از نتایج تحقیق، تعداد نمونه به ۶۰۰ نفر افزایش یافت. روش نمونه‌گیری روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. بدین صورت که از میان شهرستان‌های استان تعداد سه شهرستان عمدتاً ترکمن‌نشین (گمیشان، آق‌قلا و گنبد) و سه شهرستان غیر ترکمن‌نشین (بندرگز، گرگان و مینودشت) انتخاب و سپس به غیر از مرکز هر شهرستان، تعداد ۳ روستا بطور تصادفی انتخاب شد و در نهایت تعداد ۱۰۰ نفر مورد پرسشگری قرار گرفتند. جهت تامین روایی محتوایی ابزار تحقیق از روش توافق داوران (تایید اعتبار صوری توسط متخصصان) و برای آزمون پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید که عدد ۸۰ درصد بدست آمد که نشانگر پایایی مناسب پرسشنامه می‌باشد.

جدول ۱- ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفا
انگیزه‌های جسمی و روانی	۱۷	۰/۸۸
پیگیری رویدادهای ورزشی	۴	۰/۷۹
انگیزه‌های اجتماعی	۴	۰/۷۶
موانع مشارکت ورزشی	۷	۰/۷۸

جدول ۲- تعریف عملیاتی متغیرها

متغیرها	ابعاد	شاخص‌ها
مشارکت ورزشی	- میزان مشارکت (کم، متوسط، زیاد) - کیفیت مشارکت (منظم / نامنظم) - علایق ورزشی	- وضعیت فعالیت جسمی در طول روز و هفته - چگونگی انجام فعالیت ورزشی، ورزش مورد علاقه، پیگیری اخبار و رویدادهای ورزشی
تنوع و تفاوت فرهنگی	- قومیت - زبان - مذهب	- ترکمنی، فارس، بلوچ و... - ترکی، فارسی، ترکمنی، کردی و... - تسنن، تشیع
انگیزه ورزش	- انگیزه فردی - انگیزه اجتماعی	- انگیزه‌های روانی، سلامت و بهداشت جسمی - حمایت خانواده و اطرافیان، شهرت، پایگاه اجتماعی، تعاملات اجتماعی
مشوق فعالیت‌های ورزشی	- دیگران مهم - دیگران عادی	- خانواده، دوستان - همسایه‌ها، فامیل
موانع مشارکت ورزشی	- موانع ساختاری - موانع فرهنگی - موانع اجتماعی	- شهریه کلاس‌ها، نبود سالن، ضعف مربی - فضای مذهبی حاکم، ممانعت خانواده، اطرافیان - سکونت شهری و روستایی، فشار اجتماعی همسایه‌ها و فامیل
متغیرهای زمینه‌ای	- فردی - اجتماعی	- سن، سطح تحصیلات، وضعیت تاهل - طبقه اجتماعی، مذهب، محل تولد و سکونت

یافته‌ها

میانگین سنی پاسخگویان ۳۰ سال، میانه سنی ۲۸ سال است. ۶۰ درصد متأهل، ۶۴ درصد متولد شهر و ۳۶ درصد متولد روستا می‌باشند.

جدول ۳- توزیع فراوانی نمونه آماری بر حسب وضعیت تاهل

وضعیت تاهل	فراوانی مطلق	درصد فراوانی
مجرد	۲۲۱	۳۷/۰
متاهل	۳۶۰	۶۰/۲
بدون همسر	۱۷	۲/۸

جدول ۴- سطح تحصیلات پاسخگویان

سطح سواد	فراوانی مطلق	درصد فراوانی
ابتدایی	۸۳	۱۳/۹
راهنمایی	۷۷	۱۲/۹
متوسطه	۲۲۶	۳۷/۸
فوق دیپلم	۷۸	۱۳/۰
لیسانس	۱۱۹	۱۹/۹
فوق لیسانس و بالاتر	۱۵	۲/۵

همانطور که جدول نشان می‌دهد سطح سواد ۱۳/۹ درصد ابتدایی، راهنمایی با ۱۲/۹ درصد، متوسطه با ۳۷/۸، فوق دیپلم با ۱۳ درصد، ۱۹/۹ لیسانس و ۲/۵ درصد فوق لیسانس و بالاتر می‌باشند که متوسطه با ۳۷/۸ درصد بیشترین و فوق لیسانس با ۲/۵ درصد کمترین می‌باشد. متوسط سطح تحصیلات متوسطه و دیپلم است.

جدول ۵- توزیع فراوانی عوامل مشوق پاسخگویان

اولویت تشویق	فراوانی مطلق	درصد فراوانی کل	شهری	روستایی	ترکمن	غیر ترکمن
حمایت اعضای خانواده	۳۵۷	۵۹/۷	۶۴	۳۶	۳۶	۶۴
تشویق دوستان	۱۳۹	۲۳/۲	۵۷	۴۳	۴۶	۵۴
تشویق همسایه‌ها	۶۰	۱۰	۳۸	۶۲	۶۵	۳۵
تشویق فامیل	۳۷	۶/۲	۴۰	۶۰	۵۱	۴۹
جمع کل	۵۹۳	۱۰۰	-	-	-	-

در مبحث تشویق به فعالیت‌های ورزشی، زنان به ترتیب بیشترین فراوانی از سوی اعضای خانواده، دوستان، همسایه‌ها و فامیل این تشویق را دریافت می‌کردند. بیشترین عامل مشوق در هر دو گروه زنان ترکمن و غیرترکمن خانواده است و پس از آن دوستان قرار دارد. در دو عامل خانواده و همسایه‌ها تفاوت بین زنان ترکمن و غیرترکمن معنادار است. به گونه‌ای که عامل خانواده نقش بیشتری در تشویق زنان غیرترکمن به فعالیت ورزشی دارد و همسایه‌ها در بین زنان ترکمن بیش از زنان غیرترکمن مشوق بوده‌اند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که یک سوم زنان در سالن‌های ورزشی فعالیت دارند که بیشترین انگیزه آنان از انجام فعالیت ورزشی انگیزه بهبود وضعیت و عملکرد و سلامت جسمی بوده است و انگیزه‌های کسب آرامش روانی و انگیزه‌های اجتماعی (یافتن دوستان جدید و کسب تجربه تعامل با دیگران)

در مرتبه‌های بعدی قرار دارند. در مجموع زنان غیرترکمن و زنانی که خودشان را متعلق به طبقات متوسط به بالا می‌دانند انگیزه‌های بیشتری در مقایسه با غیرترکمن‌ها و طبقات متوسط به پایین دارند. البته در هر چهار گروه با افزایش نسبی سن انگیزه‌های آنان کاهش می‌یابد شدت این رابطه منفی در حد کم ($r: -0.20$) است. همچنین با افزایش نسبی سطح سواد شاهد بالا بودن انگیزه‌ها برای ورزش هستیم ($r: 0.15$). در میان انواع انگیزه‌ها، انگیزه‌های اجتماعی در بین جوانان قوی‌تر از سایر انگیزه‌هاست.

کیفیت فعالیت ورزشی

ورزش کردن فواید فراوانی بخصوص برای از بین بردن اضطراب و استرس دارد. تلاش آدمی همواره با این امید بوده که با رهایی از کارهای طاقت فرسا به زندگی همراه با آرامش و سعادت دست یابد و امروزه به نظر می‌آید با افزایش اوقات فراغت یک گام به این هدف نزدیکتر شده است.

جدول ۶- توزیع فراوانی نمونه آماری بر حسب کیفیت فعالیت ورزشی

ردیف	وضعیت ورزش	فراوانی مطلق	درصد فراوانی	شهری	روستایی	ترکمن	غیرترکمن
۱	پیاده‌روی منظم دو سه بار در هفته	۲۱۲	۳۵/۵	۶۰	۴۰	۴۲	۵۸
۲	پیاده‌روی منظم یک‌بار در طول هفته	۱۷۵	۲۹/۳	۴۵	۵۵	۴۵	۵۵
۳	شرکت در کلاس‌های ورزشی بصورت منظم	۱۱۲	۱۸/۷	۳۳	۶۷	۴۱	۵۹
۴	شرکت در کلاس‌های ورزشی به صورت نامنظم	۶۷	۱۱/۲	۴۰	۶۰	۴۶	۵۴
۵	سایر (پیاده‌روی پراکنده و نامنظم)	۱۸	۵/۳	۸۳	۱۷	۴۴	۵۶
-	جمع کل / میانگین درصد	۵۸۴	۱۰۰	۵۲	۴۸	۴۳/۶	۵۶/۴

با توجه به نتایج جدول بالا از بین کل پاسخگویان نمونه در جواب وضعیت ورزش، پیاده‌روی منظم دو سه بار در هفته ۳۵/۵ درصد و گزینه یکبار در طول هفته با ۲۹/۳ درصد بوده است که برای حفظ سلامتی، کاهش وزن، پیشگیری از بسیاری بیماری‌ها بخصوص فشار خون اعلام نموده‌اند.

مقایسه نتایج بین کیفیت فعالیت ورزشی بانوان شهری و روستایی نشان می‌دهد که بانوان ساکن مناطق شهری (۵۲ درصد) در انواع اشکال فعالیت ورزشی درصد بیشتری نسبت به بانوان روستایی (۴۸ درصد) داشتند بویژه در شکل شرکت منظم در کلاس‌های ورزشی نسبت به بیش از دو برابر است. همچنین بانوان ترکمن (۴۳/۶ درصد) در مقایسه با بانوان غیر ترکمن (۵۶/۴ درصد) مشارکت کمتری در فعالیت‌های ورزشی دارند اما این تفاوت کم بوده و به لحاظ آماری معنادار نیست.

انگیزه‌های اجتماعی مشارکت ورزشی

جدول ۷- توزیع فراوانی نمونه آماری بر حسب انگیزه‌های اجتماعی

ردیف	من ورزش می‌کنم برای ...	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
۱	به دست آوردن شهرت	۳۸/۶	۲۲/۷	۲۱/۲	۷/۷	۶/۰	کم
۲	دستیابی به پایگاه اجتماعی مطلوب	۱۸/۱	۲۴/۱	۲۷/۴	۱۷/۶	۹/۲	کم
۳	یافتن دوستان جدید	۱۱/۲	۱۳/۷	۲۹/۳	۲۳/۷	۱۸/۴	زیاد
۴	تجربه تعامل اجتماعی با افراد متفاوت	۱۱/۲	۱۱/۰	۲۶/۹	۲۷/۳	۱۹/۹	زیاد

نتایج حاصل از جدول ۶ نشانگر آن است که ورزش بر حسب انگیزه‌های اجتماعی بدست آوردن شهرت اجتماعی نبوده است اما می‌تواند بعنوان دستیابی به پایگاه اجتماعی مطلوب در بین بانوان تلقی گردد و در عین حال یافتن دوستان جدید و تجربه‌ای برای تعامل اجتماعی با افراد متفاوت تلقی گردد که نتایج نیز تایید کننده این ویژگی‌ها می‌باشد.

آزمون فرضیات تحقیق

- بین میزان مشارکت بانوان ساکن مناطق شهری و روستایی استان با فعالیت‌های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

بطور کلی میزان مشارکت بانوان استان در قالب حضور در سالن‌های ورزشی در حد متوسط به پایین است. به گونه‌ای که ۳۰ درصد زنان بطور منظم و نامنظم در کلاس‌های ورزشی مشارکت فعال داشتند و ۶۵ درصد آنان بصورت یکبار تا سه بار در طول هفته پیاده‌روی می‌کردند. متوسط فعالیت جسمی پاسخگویان بصورت انجام فعالیت‌های بدنی دو سه روز در هفته است. بطور متوسط یک چهارم زنان هر روز فعالیت‌های بدنی را انجام می‌دهند که بیشترین صورت فعالیت جسمی، انجام فعالیت‌های سبک بدنی در طول هفته بوده است. ۴۲ درصد زنان ورزش والیبال، ۱۱.۵ درصد شنا،

۱۱ درصد پیاده‌روی و مابقی (۳۵.۵ درصد) سایر ورزش‌ها (بسکتبال، بدنسازی و...) را بعنوان ورزش مورد علاقه خود بیان کردند. بر این اساس فرض اول تحقیق نشانگر پایین بودن میزان مشارکت ورزشی بانوان است.

- بین میزان مشارکت ورزشی بانوان ساکن مناطق شهری با مناطق روستایی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۸- محل سکونت و میزان فعالیت ورزشی با استفاده از آزمون T مستقل

سکونت / میزان فعالیت	زیاد	تا حدودی	کم	جمع کل	میانگین فعالیت (در بازه ۱ تا ۳)
شهری	٪۴۷	٪۳۰	٪۲۳	۱۰۰	۲
روستایی	٪۳۷	٪۳۶	٪۲۷	۱۰۰	۱.۸
آماره تی	T-student: -3/12	Sig:0/002			

همانطور که جدول نشان می‌دهد میانگین فعالیت ورزشی بانوان شهری نسبت به بانوان روستایی بالاتر است و این تفاوت از لحاظ آماری معنادار است. براین اساس فرض دوم تحقیق مورد تایید است.

همچنین مقایسه نتایج بین کیفیت فعالیت ورزشی بانوان شهری و روستایی نشان می‌دهد که بانوان مناطق شهری در انواع اشکال فعالیت ورزشی درصد بیشتری نسبت به بانوان روستایی داشتند بویژه در شکل شرکت منظم در کلاس‌های ورزشی نسبت بیش از دو برابر است و این تفاوت به لحاظ آماری معنادار است.

جدول ۹- محل سکونت و کیفیت فعالیت ورزشی با استفاده از آزمون لاندا

سکونت / شکل فعالیت	پیاده‌روی منظم دو سه بار در هفته	یکبار در طول هفته	شرکت در کلاس‌های ورزشی بصورت منظم	شرکت در کلاس‌های ورزشی بصورت نامنظم
شهری	۶۰٪	۵۵٪	۶۷٪	۶۰٪
روستایی	۴۰٪	۴۵٪	۳۳٪	۴۰٪
کل	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪
ضریب لاندا	Lambda: 0/049	Sig: 0/004		

- بین میزان مشارکت ورزشی بانوان ساکن مناطق ترکمن‌نشین با مناطق غیر ترکمن‌نشین تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۰- قومیت و میزان فعالیت ورزشی با استفاده از آزمون T مستقل

قوم / میزان فعالیت	زیاد	تا حدودی	کم	جمع کل	میانگین فعالیت (در بازه ۱ تا ۳)
ترکمن	٪۳۶	٪۳۸	٪۲۶	۱۰۰	۱.۸
غیر ترکمن	٪۴۹	٪۲۹	٪۲۲	۱۰۰	۱.۹
آماره تی	T-student: 1/08	Sig: 0/28			

مقایسه نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که بانوان ترکمن در مقایسه با بانوان غیرترکمن مشارکت کمتری در فعالیت‌های ورزشی دارند اما این تفاوت کم است و به لحاظ آماری معنادار نیست. بنابراین فرض سوم تحقیق مورد تایید قرار نمی‌گیرد. در مجموع زنان غیرترکمن و زنانی که خودشان را متعلق به طبقات متوسط به بالا می‌دانند در مقایسه با ترکمن‌ها و طبقات متوسط به پایین، انگیزه‌های بیشتری برای مشارکت ورزشی دارند.

- بین ارزیابی بانوان از موانع مشارکت ورزشی با تمایل آنان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۱- توزیع فراوانی نمونه آماری بر حسب موانع مشارکت

ردیف	موانع	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
۱	نبودن سالن ورزش مورد علاقه	۱۸/۷	۱۷/۳	۲۶/۹	۱۳/۹	۲۳/۱	متوسط
۲	نبودن مربی ورزش مورد علاقه	۱۸/۴	۲۱/۲	۲۲/۷	۱۷/۹	۱۹/۸	متوسط
۳	بالا بودن شهریه کلاس‌های ورزشی	۲۴/۴	۱۹/۸	۲۲/۷	۱۷	۱۶/۲	متوسط
۴	مخالفت خانواده	۴۹/۹	۲۳/۲	۱۴/۸	۵/۵	۶/۶	کم
۵	سرزش و تمسخر از سوی همسایه‌ها	۶۱/۹	۲۳	۷	۳/۶	۴/۴	کم
۶	سرزش و تمسخر از سوی فامیل	۶۳/۷	۲۱/۸	۶/۸	۳/۲	۴/۴	کم
۷	فایده نداشتن ورزش از نظر خانواده	۶۱	۱۷/۸	۱۳/۷	۳/۶	۳/۹	کم

در ارزیابی از موانع انجام فعالیت‌های ورزشی اظهار شده از سوی پاسخگویان نبودن سالن ورزشی، فقدان مربی ورزش مورد علاقه و بالا بودن شهریه در حد متوسط بیان شده است و سایر موانع بطور متوسط در حد کم ارزیابی شده است. شدت احساس موانع در روستاها بیشتر بصورت فقدان سالن ورزشی و مربی بوده و در مناطق شهری بصورت بالا بودن شهریه‌هاست. بطور کلی در مناطق

ترکمن‌نشین فقدان امکانات زیرساختی (سالن ورزشی، مربی و...) بیش از مناطق غیرترکمن‌نشین بعنوان مانع فعالیت ورزشی بیان شده است (میانگین ۳.۱۱ در برابر ۲.۹۶ در بازه ۱ تا ۵) که در مقایسه بین شهرها شدت چنین موانعی از سوی ساکنان شهرستان‌های گمیشان و گنبد (شدت متوسط به بالا) بیش از سایر شهرستان‌ها (شدت متوسط) ابراز شده است.

جدول ۱۲- محل سکونت و ارزیابی زنان از موانع مشارکت ورزشی با استفاده از آزمون T مستقل

متغیرها	میانگین	نوع آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری
محل سکونت * موانع مشارکت	-	تی تست	-۲/۷۵	۰/۰۰۶
شهر	۲/۱۸			
روستا	۲/۳۷			

سطح معنی‌داری آزمون، کمتر از ۰/۰۵ شده است بطوریکه بین محل سکونت و موانع مشارکت ورزشی بانوان ارتباط معناداری وجود دارد. به گونه‌ای که موانع مشارکت ورزشی در روستاها بیشتر بیان شده است. اما این تفاوت بین شهر و روستا در موارد فقدان سالن و نبود مربی شدت بیشتری دارد. لذا فرض چهارم تحقیق مبنی بر اثر کاهشی کمبود امکانات زیرساختی بر فعالیت‌های ورزشی براساس اظهارات پاسخگویان و همچنین نحوه توزیع فضاها و امکانات ورزشی در سطح استان مورد تایید است شدت این تاثیر در اغلب شهرستان‌ها در حد متوسط و در شهرستان گنبد و بویژه گمیشان در حد متوسط به بالاست.

- بین موانع فرهنگی در مناطق ترکمن‌نشین با میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

از حیث فضای اجتماعی حاکم بر خانواده و محله سکونت در هر دو گروه ترکمن‌ها و غیر ترکمن‌ها عامل خانواده بیشتر نقش عمل مشوق بوده تا مانع. هرچند که شدت این عامل تشویقی در بین ترکمن‌ها کمتر از غیر ترکمن‌ها است و این تفاوت از لحاظ آماری نسبتاً معنادار بوده است (۵۱ درصد در برابر ۶۷ درصد) همچنین عامل همسایه‌ها نیز در هر دو گروه مشوق بعدی بودند (۱۵.۵ درصد در بین ترکمن‌ها در برابر ۶ درصد در بین غیرترکمن‌ها که این تفاوت نیز قابل توجه است). از طرف دیگر در ارزیابی اثرات منفی فضای اجتماعی حاکم در مناطق ترکمن‌نشین تمسخر شدن از سوی همسایه‌ها در صورت انجام فعالیت ورزشی بویژه برای زنان ترکمن ۳۰ سال و بالاتر متاهل بیش از سایر افراد بیان شده است به گونه‌ای که در مصاحبه‌های انجام شده مشخص شد همسایه‌ها انجام فعالیت ورزشی را از سوی زنان متاهل، زشت قلمداد می‌کنند. لذا فرض پنجم تحقیق مبنی بر تاثیر عوامل فرهنگی بر کاهش مشارکت ورزشی بانوان در ارتباط با برخی از جامعه

آماري زنان ترکمن (۳۰ سال و بالاتر متاهل) مورد تایید قرار گرفت که این عامل فرهنگی در قالب تمسخر شدن از سوی همسایه‌ها و فامیل عمل می‌کند.

نکته قابل تامل در بحث مشوق‌ها و موانع انجام فعالیت ورزشی در بین زنان ترکمن که بیانگر یک عنصر فرهنگی است این است که حضور خانواده در تشویق و مانع شدن در انجام فعالیت‌های اجتماعی بطور کلی در بین ترکمن‌ها پر رنگ‌تر از سایرین است هر چند که این تاثیر بر روی زنان ۳۰ سال و بالاتر متاهل هنوز چشمگیر است اما انعطاف بیشتری از سوی خانواده‌ها و همسایه‌ها نسبت به ورزش کردن دختران جوان ازدواج نکرده وجود دارد. اما در مجموع نظارت اجتماعی از سوی خانواده و همسایه‌ها و فامیل در بین ترکمن‌ها بر فعالیت‌های اجتماعی افراد بویژه زنان و کودکان بیانگر بالا بودن درجه همبستگی درون گروهی است.

- بین تفاوت‌های فرهنگی مناطق ترکمن‌نشین و غیر ترکمن‌نشین با میزان مشارکت ورزشی بانوان ساکن در این مناطق رابطه معناداری وجود دارد.

در این تحقیق تفاوت فرهنگی در قالب مذهب و باورهای سنتی منتج از آن تفاوت در میزان مشارکت ورزشی تقریباً یک چهارم از جامعه آماری تحقیق (زنان ۳۰ ساله متاهل) را تبیین می‌کند که در واقع با توجه به متوسط سن پاسخگویان (۳۰ سال) نیمی از جامعه آماری مورد نظر در فرضیه را پوشش می‌دهد و احتمالاً مابقی تفاوت‌ها بصورت مشترک بین کلیه اعضای جامعه آماری منتج از عوامل ساختاری (نظیر کمبود سالن‌های ورزشی و مربی) و انگیزشی است.

بحث و نتیجه‌گیری

الگوی توسعه نامتوازن اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین شهرستان‌های استان در توزیع امکانات و زیرساخت‌های ورزشی به زبانی دیگر در قالب بیان موانع ساختاری مشارکت ورزشی از سوی پاسخگویان بیان شده است. چه بسا چنین عدم توازنی تفاوت‌های فرهنگی موجود بین اقوام را بعنوان متغیرهای موثر بر فعالیت‌های ورزشی افراد پنهان نماید در واقع در یک شرایط نسبتاً برابر برخورداری از زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی (بعنوان متغیر کنترل شده) در سطح استان می‌توان از بررسی نقش تفاوت‌های فرهنگی در مشارکت ورزشی سخن گفت. نتیجه حاصل از تحقیق حاضر نیز موید این امر است که به لحاظ آماری تفاوت نمره مشارکت ورزشی در بین بانوان ساکن مناطق شهری و روستایی بیش از تفاوت این نمره برحسب تفاوت‌های مذهبی، قومی و زبانی است. تحلیل نتایج بدست آمده بر حسب رویکردهای نظری نشان می‌دهد که بر اساس رویکرد ساختگرائی تدوین ساختارهای تسهیل کننده مشارکت ورزشی در سطح استان نظیر تدوین قوانین و مقررات انعطاف‌پذیر، فراهم‌سازی زیرساخت‌های ورزشی مورد نیاز با رویکرد تمرکززدایی در شهرستان‌های

مختلف استان و... می‌تواند موجب افزایش میزان و سطح مشارکت ورزشی گروه‌های مختلف در سطح استان شود بعنوان مثال ایجاد و برگزاری لیگ‌های منظم ورزشی در رشته‌های بسکتبال در شهر گرگان، والیبال در شهر گنبد و فوتبال ساحلی در بندرگز نمونه‌های موفق آثار چنین رویکردی است. بر اساس رویکرد فیش باین و آیزن تغییر در هنجارهای ذهنی سنتی مناطق روستایی علی‌الخصوص ترکمن‌نشین می‌تواند به افزایش رفتارهای مشارکتی بانوان در محیط‌های ورزشی منجر گردد. در این رابطه، موانع اجتماعی فرهنگی بویژه در مناطق روستایی ترکمن‌نشین در مقایسه با سایر مناطق اثرگذاری بیشتری در کاهش مشارکت ورزشی بانوان داشته است هرچند که برآیند کلی مصاحبه‌ها و تجربیات پرسشگران نشان می‌دهد که این دسته موانع بویژه برای نسل‌های جدید در حال کاهش یافتن است اما متاهل شدن دختران ترکمن به‌مراه افزایش سن آنان چنین موانعی برای آنان پررنگ‌تر خواهد شد بگونه‌ای که "زشت بودن" فعالیت ورزشی برای یک زن ترکمن متاهل بالای ۳۰ سال بعنوان یک هنجار اجتماعی مطرح است که فشار اجتماعی را در قالب تمسخر شدن از سوی همسایه‌ها و فامیل بر فرد وارد می‌آورد.

بر این اساس پیشنهاد می‌شود به موازات تقویت زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی در سطح شهرستان‌های استان، تبلیغ و نمایش ورزش بانوان در رسانه‌های استان در قالب برنامه‌های فرهنگی ورزشی در جهت تغییر ذهنیت سنتی در خصوص مشارکت ورزشی می‌تواند موانع هنجاری و نگرشی موجود را تغییر داده و موجبات افزایش مشارکت بانوان بویژه نسل‌های جدید را فراهم سازد. در روند انجام این تحقیق محدودیت‌هایی چون کمبود بودجه اجرای تحقیق امکان مقایسه‌هایی بیشتر در سطح استان را محدود می‌ساخت همچنین عدم پاسخگویی برخی بانوان ساکن روستاها، با وجود انجام پرسشگری توسط دانشجویان دختر، فرآیند جمع‌آوری داده‌ها را با کندی مواجه می‌کرد.

References:

- Ahmadi, M.; Pezhan, A. & Ghadimi, B., (2019). Sociological Analysis of Social Barriers to Participation in Sports Activities of Women and Men (Cause Study: Employees of the Mining and Trade), *Women & Society*, Volume 10, Issue 39, pp 47-64. (Persian)
- Azkia, M. (2000). *Sociology of Development*, Tehran, Publisher: Kalame. (Persian)
- Parsamahr, Mehraban (2009). The Role of Social Factors in the Participation of Young Girls in Sports Activities, Education and Training, Number 104, Page 139. (Persian)
- Dacey, M; Baltzell, A; Zaichkowsky, L. (2008). Older Adults Intrinsic and Extrinsic Motivation Toward Physical Activity. *Journal of Health Behavior*, 32(6): pp 570-582. (Persian)
- Ghaffari, Gh. (2001). Explain Effective Social and Cultural Factors in the Participation of Socio-Economically Organized Villages as a Mechanism for the

Development of Rural Iran, Doctoral Dissertation, Doctoral Dissertation in Sociology, Social Sciences, University of Tehran. (Persian)

- Gholampour Galesh Kolami, H; Mirzaeei, Kh.; Ghadimi, B.; Alipour Darvishi, Z. (2020). Social and Cultural Factors Affecting on Youth Tendency to Public Sport (With an Emphasis on Women), *Woman and Society*, Volume 11, Issue 41, Spring 2020, Page 151-176. (Persian)

- Hosseini and Bahr-ul-Uloom (2013). Examining the Motivations of Participation and Commitment of Women in Sports Activities (Case Study of Mashhad City), *Research Studies in Sports Management*, Period 2, Number 3, pp 37-46. (Persian)

- Kargar, Saeed; Amiri, Razieh; Jamalpour, Mojdeh and Panah, Narges (2013). The Effect of Women's Awareness of the Benefits of Sports on their Referral to Sports Clubs, Fifth Conference on Urban Planning and Management, Mashhad, Ferdowsi University of Mashhad. https://www.civilica.com/Paper-URBANPLANING05-URBANPLANING05_127.html

- Karimi, H. & Karimian, A. (2015). Review of the Relationship Between Sports Participation and the Quality of Life of Women in the City of Isfahan, *Health System Research Magazine*, Isfahan, Isfahan University of Medical Sciences. (Persian)

- Khosravi, Zahra (2003). *Psychological Foundations of Gender*, Tehran, Office of Social Planning and Cultural Studies, Ministry of Science, Research and Technology.

- Liu, W; Wei, B; Li, Y. (2011). Perceived Competence, Motivation, and Physical Activity Participation among College Students. The Preliminary Program for 2011 AAHPERD National Convention and Exposition.

- Mirghafoori, S., Sayyadi Touranlou, H., Mirfakhreddini, S. (2009). The Analysis of Factors Affecting Women's Participation in Sport (Female Students of Yazd University). *Journal of Sport Management*, 1(1), 83-100.

- Mousavi, M. (2012). *Imported by Social Partnership*, Tehran, published by Sociologists. (Persian)

- Nadrian, M. (2009). Examining the Barriers to Women's Participation in Sports, with Motivation, *Research in Sports Management and Mobility*, No. 13. (Persian)

- Palm, J. (2000). *Sport for All and its Projection to the year 2000*.

- Qudratnama, A. & Haidari Nejad, S. (2013). The Link Between Sports Motivation and Physical Activity of the Students of Shahid Chamran Ahwaz University, *Journal of Sports Management Studies*, No. 18. (Persian)

- Stonse, M; Weiss, R; Cherly, P. (2010). Motivating Children and Adolescents to Sustain a Physically Active Lifestyle, *Journal of Lifestyle Medicine*, Vol 4, No. 5: pp 433-444.

- Talebpour, A.; Nazari Azad, M. & Kashani, M. (2020). Sociological Analysis of Gender Inequality in Sport (The Perspective of Female National Hero Athlete), *Women & Society*, Volume 10, Issue 40, pp 289-316. (Persian)

- Tavasoli, Gh. (2003). *Social Partnership*, Tehran, University of Tehran Publishing. (Persian)

- Vosuqi, M. & Yousefi, A. (2005). *Sociology Research in the field of Rural Women's Social Participation*, Research project. (Persian)

- Wicker, P; Breuer, C & Pawlowski, T. (2009). Promoting Sport for All to Age-specific Target Groups: the Impact of Sport Infrastructure, *European Sport Management Quarterly*, Vol 9, No 2: pp 103-118.

- Zarei, H. (2013). Examining the Obstacles of Women in Their 30s and 50s in the City of Tehran, The Final Letter of the Master's Degree of the Free Islamic University of Tehran. (Persian)